

توسل جایز و غیر جایز

تألیف:

عبدالعزیز بن عبداللہ الجہنی

ترجمہ:

اسحاق دبیری رحمۃ اللہ علیہ

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	توسل جایز و غیر جایز
تألیف:	عبدالعزیز بن عبدالله الجہنی
ترجمہ:	اسحاق دبیری <small>رحمۃ اللہ علیہ</small>
سال چاپ:	۱۳۹۳ ہ. ش / ۱۴۳۵ ہ. ق
آدرس ایمیل:	contact@mowahedin.com

www.aqeedeh.com

www.islamhouse.com

www.sadaislam.com

www.videofarsi.com

www.islamtxt.net

www.mowahedin.com

سایت های مفید:



Mowahedin Group

contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

- ۳..... مقدمه مترجم
- ۵..... مقدمه مؤلف
- ۶..... دین عرب در آستانه بعثت پیامبر ﷺ
- ۱۱..... شفاعت حق
- ۱۲..... شفاعت مشروع (جایز)
- ۱۲..... شفاعت نامشروع (غیر جایز)
- ۱۴..... بین عرب جاهلی و کسی که اولیا را می خواند چه فرقی است؟
- ۱۶..... تطبیق عملی توسل مشروع (جایز) در عهد صحابه
- ۲۱..... توسل مشروع و جایز
- ۲۴..... به کسی غیر از رسول الله ﷺ اقتدا و تاسی نمی کنیم
- ۲۶..... دعای به درگاه غیر خدا اعمال نیک را محو و نابود می کند
- ۳۰..... بعضی از نمودهای شرک
- ۳۱..... برخی از شبهه‌هایی که اهل باطل ادعا می کنند

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين سيدنا محمد
وعلى آله وصحبه أجمعين

هدف از آفرینش انس و جن عبادت خداوند ﷻ است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ
أَنْ يُطْعَمُونِ ﴿٥٧﴾﴾ [الذاريات: ٥٦-٥٧]

«جن و انس را نیافریدم بجز برای آنکه مرا بندگی کنند، از آنان هیچ روزی ای
نمی خواهم و نمی خواهم که به من خوراک دهند».

انگیزه بعثت پیامبران، هدایت بشر برای عبادت خداوند بوده است؛ چنانکه فرماید:
﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ﴾ [النحل: ٣٦]

«به یقین در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدا را بندگی کنید و از طاغوت پرهیزید».

عبادت معنا و مفهومی وسیع و گسترده دارد و شامل اعمالی می شود که
جلب خشنودی خداوند و دوری از منهیات را در پی دارد؛ اما متأسفانه بعضی

افراد عبادت را منحصر در عمل به ارکان اسلام می دانند، در صورتی که
رسول الله ﷺ می فرماید: «الإيمان بضع وسبعون أو بضع وستون شعبة فأفضلها قول

لا إله إلا الله وأدناها إماطة الأذى عن الطريق» [متفق عليه]. «ایمان هفتاد و چند، و یا
شصت و چند شعبه است و بالاترین آنها گفتن "لا إله إلا الله" [یعنی شهادت به

یکتایی خداوند] و کم ترین آنها برطرف نمودن موجبات آزار و اذیت [مانند خار
و خاشاک و امثال آن] از سر راه است».

توسل از مهم‌ترین عبادت‌هاست که عظمت آن بر بسیاری مخفی است، و عده‌ای برای نزدیکی به خداوند، توسل غیر مشروع انجام می‌دهند، که آنان را به ورطه شرک وارد می‌کند.

خداوند می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۳۵].

«ای مؤمنان، از خدا بترسید، و برای تقرب به خدا وسیله بجویید، و در راه او جهاد کنید تا اینکه رستگار شوید.»

توسل عبارت است از وسیله قراردادن هر نوع عمل صالحی که موجب رضایت خدا و تقرب به او گردد.

کتاب مزبور که نوشته دانشمند محترم شیخ عبدالعزیز بن عبدالله الجهنی است، مباحث بسیار با ارزشی ارائه داده است. امیدوارم که با ترجمه این کتاب خدمتی متواضعانه به عزیزان فارسی زبان کرده باشم. از خداوند خواهانم آن را برای خشنودی خود قبول فرماید.

توسل: به وسیله چیزی به کسی نزدیکی جستن، وسیله قراردادن، دست به دامن شدن، درخواست، تقاضا، التماس.

مشروع: آنچه مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جایز بداند، شرعی.

ممنوع: منع شده، بازداشته شده، نهی شده، غیر جایز.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه

اسحق دبیری

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين

کسی که در تاریخ و سیرت رسول الله ﷺ دقت نماید درک خواهد کرد که ایشان در میان مردمی مبعوث شدند که در مورد مردگان و اولیای الهی غلو می‌کردند، و این غلو و زیاده‌روی، سبب خارج شدن آنها از دین ابراهیم خلیل عليه السلام شده بود.

واضح است که دین ابراهیم عليه السلام دعوت مردم به سوی توحید و یگانه‌پرستی بود، و همچنین معلوم است که عبادت انواع مختلفی دارد؛ از آن جمله: احسان، نماز، زکات، سایر ارکان اسلام، دعا، ذبح، نذر، طلب کمک، فریادرسی، پناه‌جستن، بیم و ترس، امید، رغبت و رهبت و غیره.

دین عرب در آستانهٔ بعثت پیامبر ﷺ

عرب جاهلیت بعضی از انواع عبادت‌های فوق را برای غیر از خدای یکتا انجام می‌دادند، و معتقد بودند که اولیا نزد خداوند ارج و منزلت عظیمی دارند و می‌توانند نیازها و خواسته‌های آنان را به خداوند برسانند؛ مانند بت لات که در شهر طائف و اطرافش پرستش می‌کردند. آن بت، نام مردی صالح و نیکوکار بود که قبل از مردن به مردم - مخصوصاً حجاج خانه خدا - کمک می‌کرد و به آنها غذایی به نام «سویق»^(۱) می‌داد. او وقتی از دنیا رفت، مردم به خوبی از او یاد می‌کردند و قبر او را زیارت می‌کردند؛ سپس گنبدی بر آن ساختند، به او توسل می‌جستند، قبرش را طواف می‌کردند و برای رفع نیازها و مشکلاتشان از او کمک می‌خواستند. در مورد بت‌های دیگر بنام «عُزَی» و «مَنَات» نیز چنین بود.

چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿۱۹﴾ وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ﴿۲۰﴾ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ﴿۲۱﴾ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿۲۲﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَأُوكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ﴿۲۳﴾﴾ [النجم: ۱۹-۲۳]

«آیا چنین می‌بینید [و چنین معتقدید] که لات و عُزَی و مَنَات، سومین بت دیگر [معبود شما و دختران خدایند و دارای قدرت و عظمت می‌باشند؟] آیا پسر مال شما باشد، و دختران مال خدا؟ [در حالی که به گمان شما دختران کم‌ارزش‌تر از پسرانند؟] در این صورت، این تقسیم ظالمانه و ستمگرانه‌ای است. اینها فقط

۱- نوعی غذا که ترکیبی از آرد دانه‌های خوراکی است.

نام‌هایی [بی‌محتوی و اسم‌هایی بی‌مسمی] است که شما و پدرانان [از پیش خود] بر آنها گذاشته‌اند. هرگز خداوند دلیل و حجتی [بر صحت آنها] نازل نکرده است. در حالی که می‌دانستند بت‌هایی که از آنان طلب کمک می‌کنند هیچ چیز را نیافریده‌اند و هیچ رزق و روزی و زندگی و مرگی را در اختیار ندارند و هیچ چیزی نمی‌توانند انجام دهند؛ چنانکه خداوند دربارهٔ مشرکین چنین می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [یونس: ۳۱]

«بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار [هستی] را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدا؛ پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟»

منظور آیه این است که از آنجایی که خدا همه کارها را انجام می‌دهد، چرا از خدا نمی‌ترسید، تا بدین وسیله عبادت را فقط برای او انجام دهید، کما اینکه او را آفریننده قرار داده‌اید؟

پس از اینجا معلوم می‌شود که مردم زمان جاهلیت منظورشان از دعا کردن به پای این بت‌ها، فقط قربت به خداوند بوده است، چون گمان می‌بردند که خداوند دعای اینها را اجابت کرده و خواستهٔ آنها را برآورده می‌کند؛ و این نهایت کوتاهی در حق خداست، چون خدا مانند بشر نیست تا به کمک نیاز داشته باشد، اما بشر به کمک نیاز دارد زیرا به همه چیز احاطه ندارند.

لذا معلوم می‌شود کسی که غیر از خدا را به فریاد طلبد و از او چیزی بخواهد که فقط در حیطة اختیار و قدرت خداست، قطعاً مشرک است؛ چنانکه

خداوند این نکته را بیان فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلَيْسَتْ جِبُوتًا لَكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۹۴﴾ [الأعراف: ۱۹۴].

«بت‌هایی را که به جز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، بندگانی همچون خود شما هستند [و کاری از آنها ساخته نیست و نمی‌توانند فریادرس شما باشند]. آنان را به فریاد خوانید و [از ایشان استمداد جویید] اگر راست می‌گویید [که کاری از ایشان ساخته است] باید که به شما پاسخ دهند [و نیاز شما را بر آورده کنند].»

خداوند در قرآن کریم ذکر کرده که این مردگان دعای مددخواهان را نمی‌شنوند، و فرضاً اگر هم بشنوند، نمی‌توانند آن را اجابت کنند، و روز قیامت این عمل را انکار می‌کنند و عملشان به نص قرآن شرک خوانده شده است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۱۴﴾ [فاطر: ۱۴]

«اگر آنها را بخوانید دعای شما را نمی‌شنوند و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتان نمی‌کنند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه تو را خبردار نمی‌کند.»

پس همهٔ مردگان مانند آنها هستند که چون از آنها کمک خواسته شود

استجابت نمی‌کنند؛ چنان که می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى﴾ [النمل: ۸۰]

«البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی»،

﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]

«و تو نمی توانی کسانی را که در گورهایند شنوا سازی.»

مردگان از غیب خبر ندارند، حتی رسول الله ﷺ؛ پس دیگران چگونه می توانند از غیب باخبر باشند و چگونه شخص مرده می داند که فلانی به نزد قبر او آمد و از او مدد خواست؟ خداوند می فرماید:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

[الأعراف: ۱۸۸]

«بگو: جز آنچه خدا بخواهد برای خودم اختیار سود و زبانی ندارم و اگر غیب می دانستم قطعاً خیر بیشتری می اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی رسید؛ من جز بیم دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می آورند نیستم.»

پس اینها از کسانی مدد می خواهند که وجود ندارند و طلب شفاعت به جاه و منزلت آنها جایز نیست، زیرا خداوند مشرکین عرب را کافر دانسته، زیرا از مردگان طلب شفاعت می کردند، با این حال که می گفتند:

﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [الزمر: ۳]

«ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند نمی پرستیم.»

یعنی ما آنها را به فریاد نمی طلبیم زیرا به فریاد طلبیدن، همان عبادت است. این مطلب در صفحات آینده ذکر خواهد شد و خواهیم دید که به شفاعت طلبیدن آنها بزرگترین اشتباه است، زیرا خداوند می فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵]

«کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟»

و می‌فرماید:

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ﴾ [الأنبياء: ۲۸]

«و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند».

الله ﷻ طلب شفاعت از مردگان را جایز نمی‌داند، زیرا مرده قدرتی برای شفاعت ندارد؛ پس چگونه از کسی که نمی‌تواند کاری انجام دهد طلب شفاعت می‌کند؟ شفاعت از کسی خواسته می‌شود که می‌تواند آن را انجام دهد و او خداوند متعال است.

شفاعت حق

از خداوند می‌خواهیم تا لطف خود را در روز قیامت با بهره‌مند شدن از شفاعت صالحین به ما عطا فرماید؛ حال چه این شفاعت برای کسی باشد که مستحق آتش دوزخ است، و چه برای بالا بردن درجات ما در بهشت و مانند اینها. هیچ شفاعت کننده‌ای نمی‌تواند شفاعت کند، مگر با اجازه خداوند؛ حتی اگر هم از فرشتگان مقرب و یا پیامبر باشد؛ پس چه رسد به کسی که منزلت او کمتر و کوچک‌تر است.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ [النجم: ۲۶]

«و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند [و] شفاعتشان به کاری نیاید، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اجازه دهد»،
و می‌فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵]

«کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟»،
و همچنین:

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۸]

«و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند».
بنابراین شفاعت به دو نوع تقسیم می‌شود:

شفاعت مشروع (جایز)

این شفاعت، مخصوص اهل اخلاص است و فقط از خداوند طلب می‌شود و از هیچ کسی خواسته نمی‌شود، مگر خداوند؛ زیرا چنان که قبلاً ذکر کردیم، هیچ کس شفاعت نمی‌کند، مگر با اجازه و رضا و خشنودی او خداوند سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ و اینکه از کسی که درباره او شفاعت می‌شود راضی باشد؛ پس اگر برای کسی که درباره او شفاعت می‌شود، موحد و یکتاپرست باشد، شفاعت شفاعت‌کنندگان به اذن الله برایش مؤثر خواهد بود، حال چه آن شفاعت‌کننده از پیامبران، انبیا، صدیقین، اولیا یا از صالحین باشد.

شفاعت نامشروع (غیر جایز)

شفاعتی است که از غیر خدا خواسته می‌شود؛ مانند کسی که از مردگان یا شخص غایب یا جن شفاعت بخواهد یا چیزی طلب کند؛ زیرا از کسی خواسته می‌شود که قدرت و استطاعت انجام آن را ندارد، و قبلاً هم ذکر شد که در قرآن آمده که مرده نمی‌شنود و غایب از غیب خبر ندارد؛ همچنین اولیاء الله و صالحین مردگان نمی‌دانند که آیا کسی نزد قبرشان آمده و از آنها مدد خواسته یا از آنها طلب شفاعت کرده یا خیر.

پس از اینجا معلوم می‌شود که برای کافر و مشرک شفاعت نمی‌شود، و از جمله آنها، کسانی هستند که غیر از خدا را می‌طلبند و یا ذبح و نذر را برای غیر خدا انجام می‌دهند.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿۲۰﴾ أَمْ وَاتَّعَبُوا عَمَّا يُعْمَلُ ﴿۲۱﴾﴾ [النحل: ۲۰-۲۱]

«و کسانی را که جز خدا می‌خوانند چیزی نمی‌آفرینند، در حالی که خود آفریده می‌شوند (۲۰) مردگانند نه زندگان و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد».

یعنی آن اولیا و صالحین مرده‌اند و زنده نیستند، و آنها از مردگان چیزی خواستند که انجامش برای آنها مقدور نیست؛ مگر اینکه مرد صالح و نیکوکار زنده باشد، در این حال جایز است که از او چیزی بخواهیم که بتواند انجام دهد؛ مانند اینکه بگوید: «ای شیخ، از خدا این و آن را برای من بخواه»؛ یا بگوید: «ای فلانی، به من کمک کن تا قرضم را بپردازم، یا به من کمک کن تا این بار را حمل کنم»، و مانند آنچه در توان‌یاری اوست.

بین عرب جاهلی و کسی که اولیا را می‌خواند چه فرقی است؟

بعد از اینکه به طور خلاصه دربارهٔ حال اهل جاهلیت و نادانی‌ای که رسول اکرم ﷺ به فرمان خدا با آنها جنگید سخن گفتیم، بیایید به حال مسلمانان امروزی نگاه کنیم. حتماً سؤال مهمی مطرح می‌گردد: بین آن نادانان و جاهلان، و کسانی که اولیا و صالحین مرده یا غایب را در این زمان به فریاد و زاری می‌خوانند چه فرقی وجود دارد؟

و در جواب می‌گوییم: به چند دلیل، هیچ فرقی بین این دو گروه وجود ندارد:

۱- مشرکان جاهلیت معتقد بودند که بت‌هایشان از مُلک و قدرت خدا هیچ چیز نداشتند؛ اهل این عصر که نزد قبرهای اولیا و صالحین می‌روند نیز همین اعتقاد را دارند، مثلاً دربارهٔ کسانی همچون حسین بن علی، عبدالقادر گیلانی و السید البدوی (رحمهم الله)؛

۲- اهل جاهلیت اعتقاد داشتند که صالحین مرده، نزد خدا جاه و منزلت دارند و نیازهای مردم را به خدا می‌رسانند؛ همچنین معتقد بودند که آنان را به خدا نزدیک می‌کنند؛ با این حال، خداوند آنان را کافر دانسته است، چرا که می‌گفتند:

﴿هَؤُلَاءِ شُفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ [یونس: ۱۸]

«اینها میانجی‌های ما نزد خدا هستند».

و می‌گفتند:

﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [الزمر: ۳]

«ما آنها را جز برای این نمی پرستیم که ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند».

اینچنین است حال کسانی که امروزه به قبرستان‌ها می‌روند. آنها نیز همین اعتقادات را در مورد اولیای الهی دارند.

تطبيق عملی توسل مشروع (جایز) در عهد صحابه

دعا عبادت است؛ چنانکه خداوند فرموده:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ [المؤمن: ٦٠]

«و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم؛ در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند.»

خداوند دعا را نوعی عبادت دانسته است. به علاوه، در حدیثی صریح و

واضح از رسول الله ﷺ روایت است که فرمودند: «إِنَّ الدَّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ» «دعا

همان عبادت است»^(۱).

امام أحمد رحمه الله از حدیث ابی هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ

فرمودند: «مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ غَضِبَ عَلَيْهِ» «کسی که خدا را نخواند، خدا بر

او خشم و غضب می‌گیرد».

صحابه از این حدیث چنان فهمیدند که هر کس غیر از خدا را بخواند

مشرک و کافر است؛ اگر هم طلب او از فرشته‌ای مقرب و یا پیامبری مرسل

باشد، باید بداند که آنها این کار را در شدیدترین اوقات و مشکلات هم انجام

نمی‌دادند.

در این مورد، این از زندگی صحابه، بعد از وفات رسول الله ﷺ مثالی

می‌زنیم:

۱- به نقل از امام احمد، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن ابی حاتم، ابن جریر، ابن حبان و حاکم.

در دوران خلافت عمر رضی الله عنه قحطی رخ داد و از عباس بن عبدالمطلب، عموی رسول الله صلی الله علیه و آله درخواست شد تا از خدا برایشان باران طلب کند. وقتی در مصلی بودند، عمر رضی الله عنه گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا... فَيُسْقَوْنَ» «خدایا ما [بیشتر] به رسول تو توسل می کردیم و تو بر ما باران فرود می آوردی؛ و در حال حاضر به عموی پیامبرت توسل می جوییم. پس خدایا بر ما باران فرود آور آ و خدا بر آنها باران فرود می آورد. پس عباس رضی الله عنه دعا می کرد، و آنها آمین می گفتند.

چرا صحابه، مانند اهل زمان ما، از مردگان طلب کمک و شفاعت نکردند؟ در حالی که آنها داناترین و آگاهترین مردم به حلال و حرام بودند، آنها کسانی بودند که پشت سر رسول الله صلی الله علیه و آله به نماز ایستادند، با او جهاد کردند، به حج رفتند، با او در مسجد نشسته و خطبه گوش می کردند و آنها بودند که از ادب و اخلاق او درس های بسیار آموختند.

لازم به ذکر است که حتی مسافرت به قصد زیارت قبور پیامبران یا اولیای الهی و مانند آن جایز نیست، زیرا این کار به شرک منتهی می شود. پس به بهانه ها و وسیله های تقرب، همان حکمی تعلق می گیرد که به اهداف و نیت ها و مقاصد تعلق دارد. به همین سبب می بینیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسافرت به سوی قبرها را حرام نموده است: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» «سفر [به سوی مساجد] جایز نیست، مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد نبوی، و مسجد الأقصى».

مقصود این است که سفر به سوی قبر شخص صالح و مانند آن صحیح نیست. ما هم پیامبر صلی الله علیه و آله را بیشتر از جان خود، حتی بیشتر از پدر و مادر و

فرزند و اهل و مال خود دوست داریم، و صحابه و اولیا و صالحین را نیز دوست می‌داریم، و دوستداران ایشان را نیز دوست می‌داریم، و با کسی که با آنها عداوت و دشمنی نمود، دشمنی می‌کنیم، و می‌دانیم کسی که با ولی خدا دشمنی کند، با خدا به جنگ پرداخته است. پس آیا دوست داشتن و محبت اینان موجب آن است که آنها را به جای خدا پرستش کنیم؟! آیا جایز است آن بزرگواران را شبیه و مانند خدا بدانیم و به آنها توسل جوییم بر قبرهایشان طواف کنیم؟ آیا مجاز است که برایشان نذر و ذبح و قربانی کنیم؟! از اینجا پی می‌بریم و می‌فهمیم که درخواست کردن از غیر خدا برای انجام آنچه قدرت و توانایی آن را ندارد، شرک به خداوند عز و جل است، مانند کسی که نزد قبر اولیا و صالحین آمده و از آنها طلب نیاز می‌کند؛ حاجت‌هایی مانند: شفای مریض، بازگشت مسافر، دادن فرزند به کسی که عقیم و نازاست، پیدا کردن گم شده و مانند اینها. در این حال، حتی اگر هم بگویند ما معتقدیم که همه چیز از خداست، باز هم مرتکب شرک شده‌اند.

پس این معتقدات، عیناً شرک زمان جاهلیت است که قبلاً ذکر شد و شرک اکبر نامیده می‌شود. رسول الله صلی الله علیه و آله نیز برای مبارزه با همین گمراهی مبعوث شد.

دلایلی که ثابت می‌کند طلب از اولیا و امامان شرک اکبر است، عبارتند از:

﴿فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸]

«پس کسی را با خدا پرستش نکنید».

﴿أَحَدًا﴾ اینجا «نکره در سیاق نهی» است که بر عموم دلالت می‌کند، یعنی: هیچ چیز با خدا پرستش نمی‌شود. اما اینکه طلب از غیر خدا شرک اکبر

است و تمامی اعمال را نابود می‌کند:

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳]

«و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم»

و همچنین می‌فرماید:

﴿أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ [۱۹۱] وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿۱۹۲﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَىٰ الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُكُمْ سَوَاءَ عَلَيَكُمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَالِمُونَ ﴿۱۹۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلَكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۹۴﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطُّشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ ﴿۱۹۵﴾ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿۱۹۶﴾ [الأعراف: ۱۹۱-۱۹۶].

«آیا موجوداتی را [با او] شریک می‌گردانند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان مخلوفند؛ و نمی‌توانند آنان را یاری کنند و نه خویشتن را یاری دهند؛ و اگر آنها را به [راه] هدایت فراخوانید، از شما پیروی نمی‌کنند؛ چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید برای شما یکسان است؛ در حقیقت، کسانی را که به جای خدا می‌خوانید بندگان امثال شما هستند پس آنها را [در گرفتاری‌ها] بخوانید، اگر راست می‌گویید باید شما را اجابت کنند؛ آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دست‌هایی دارند که با آن کاری انجام دهند، یا چشم‌هایی دارند که با آن بنگرند، یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟ بگو شریکان خود را بخوانید، سپس دربارهٔ من

حیله به کار برید و مرا مهلت مدهید؛ بی تردید سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و همو دوستدار شایستگان است».

همه این آیه‌ها، نصوص صریح و واضحی هستند که نشان می‌دهند طلب غیر از خدا شرک اکبر است و فرد را از دایره اسلام خارج می‌کند.

توسل مشروع و جایز

- ۱- توسل به ذات خدای تعالی جایز است، مانند اینکه بگویی: یا الله؛
 - ۲- توسل به یکی از اسماء الله: یا رحمان، یا رحیم، یا حی، یا قیوم؛
 - ۳- توسل به صفات باریتعالی: «اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ»: خدایا به رحمت تو دادخواهی و استغاثه می‌کنم؛
 - ۴- توسل به دعای مرد صالحی که زنده است و حاضر است، مثلاً می‌گوییم: ای شیخ، برایم دعا کن، و مانند این؛ چنانکه صحابه از رسول الله ﷺ طلب باران می‌کردند؛
 - ۵- توسل به عمل نیک و صالح: مانند قصهٔ اصحاب غاری که صخره‌ای در غار را بر روی آنها بست و خدا را با اعمال صالحی که انجام داده بودند، دعا کردند و خداوند مشکل آنها را بر طرف کرد و از غار بیرون آمدند. ممکن است بگویی: «خدایا، به خاطر دوستی و محبت من به پیامبرت، و توحیدم به تو، و اطاعتم از تو و رسولت، این چیز را به من بده».
- اما حاجت خواستن از خدا به خاطر مقام پیامبر و ولی، یا سوگند به یکی از اینها، بدعتی است که فرد را به سوی شرک می‌کشاند؛ حتی اگر به شرک نیندازد، این نوع طلب، حرام است.
- اما درخواست و طلب از مردگان و یا شخص غیر حاضر، شرک اکبر به شمار می‌رود.

خداوند بندگان را ارشاد و راهنمایی کرده تا فقط او را بخوانند و وعده به اجابت درخواست‌ها داده است، فرمودند:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶]

«و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند».

و فرموده:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰]

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم».

و ما را راهنمایی کرده تا تنها از او کمک بخواهیم؛ ما نیز در هر رکعت نماز چنین می‌گوییم:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵]

«[پروردگارا] تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم».

با این حال، می‌بینی که بیشتر نمازگزاران اگر اجابت دعایشان به تأخیر افتد، به سوی قبرها و ضریح‌ها روی می‌آورند و به آنها توسل می‌جویند، در حالی که خداوند تواناست و فوراً دعای آنها را اجابت می‌کند؛ ولی این یک نوع ابتلا و امتحان برای بندگان می‌باشد، چون حکمت الهی موجب شده تا بندگان خود را امتحان کند؛ حتی ممکن است اجابت بنده را به تأخیر انداخته تا صدق و راستی او را بداند، چون اگر صادق باشد، بر سختی و مصیبت‌ها صبر کرده و استوار می‌شود و به جز خدا کس دیگری را نخواهد خواند، اگر هم کوه‌ها بر

سرش پایین آید، یا زمین شکافته شده و او را بلعد، این گونه اشخاص، اعتماد و توکلشان بر خدا قوی و محکم است. پس مطمئناً خدا درخواستشان را بدون جواب نمی‌گذارد؛ ولی فرد دیگر در این امتحان به فتنه افتاده و فریفته می‌شود، ایمان او ضعیف می‌گردد، و شیطان این کار را برایش زینت می‌دهد تا او را از دایره اسلام خارج نماید و سوگند خود را برآورده کند، آنگاه که گفت:

﴿قَالَ فِعْرَتُكَ لِأَعْوِيَّتِهِمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۳﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۸۲﴾﴾ [ص: ۸۲-۸۳]

«[شیطان] گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم؛ مگر آن بندگان مخلص تو را [که بر آنان سلطه و قدرتی نداشته و وسوسه‌ام در ایشان نمی‌گیرد]». خداوند دربارهٔ مصداق آن ابتلا و امتحانی که برای بشریت است، چنین می‌فرماید:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿۳﴾﴾ [العنكبوت: ۲-۳]

«آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم به حال خود رها می‌شوند و ایشان [با تکالیف و وظایف و رنج‌ها و سختی‌هایی که باید در راه آئین آسمانی تحمل کرد] آزمایش نمی‌گردند؟ ما کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند [با انواع تکالیف و مشقات و با اقسام نعمت‌ها و محنت‌ها] آزمایش کرده‌ایم؛ آخر خدا باید بداند چه کسانی راست می‌گویند و چه کسانی دروغ می‌گویند».

نیز می‌فرماید:

﴿أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ ﴿۱۲۶﴾﴾ [التوبة: ۱۲۶]

«آیا منافقان نمی‌بینند که در هر سالی، یک بار یا دوبار [و بلکه بیشتر] مورد آزمایش قرار می‌گیرند؟ بعد از آن توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند و بیدار و هوشیار نمی‌شوند».

به کسی غیر از رسول الله ﷺ اقتدا و تاسی نمی‌کنیم

متأسفانه افرادی که از دیدگاه مردم از جمله علما به شمار می‌روند و یا صاحبان مقام و قدرت هستند، مانند انسان‌های جاهل و نادان، نزد قبرها، کارهایی انجام می‌دهند که در واقع از جمله گمراهان به شمار می‌روند و هرگاه که مردم در این مورد از آنها فتوی می‌خواهند، در جواب می‌گویند: این کار، جایز و صحیح است و شرک به شمار نمی‌رود؛ مردم به آنها اقتدا می‌کنند، ولی شخص عاقل و دانا این کار را انجام نمی‌دهد، زیرا می‌گوید آنچه رسول الله ﷺ و سلف صالح انجام نداده‌اند، من نیز انجام نمی‌دهم.

رسول الله ﷺ در تمامی زندگی خود غیر از خدا را نخواست و هیچ کس از او چنین کاری ندید؛ نه در صلح و نه در آشتی، نه در وقت جنگ و نه در وقت شادی و مسرت، و نه در خوشی و خرمی و نه در شدت و سختی. آنچه از او ثابت شده این است که هرگاه مشکل یا مصیبتی به او می‌رسید، به بلال می‌گفت: «یا بلال، اُرْحِنَا بِهَا» یعنی: «ای بلال ما را با نماز خواندن آرامش ده»^(۱)، و ما در هر نماز این آیه را می‌خوانیم:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحه: ۵]

«پروردگارا تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم».

یعنی هیچ کس غیر از تو نمی‌پرستیم، و از او یاری نمی‌طلبیم، بلکه فقط از تو کمک می‌خواهیم.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱]

«همانا سرمشق و الگوی زیبایی در [شیوه پندار و گفتار و کردار] پیامبر خدا برای شماست».

خداوند نفرموده که: برای شما در اهل زمانتان پیشوای خوبی است، و نفرمود

که: چرا به بزرگان زمانتان اقتدا و تاسی نکردید؟

بنگرید که بنی‌اسرائیل هنگامی که در معصیت خدا از علما و عابدان خود

اطاعت کردند، خداوند چه فرمود:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ [التوبة: ۳۱]

«[یهودیان و مسیحیان] دانشمندان و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت گرفتند».

هنگامی که عدی بن حاتم، که قبل از اسلام مسیحی بود، این آیه را شنید، گفت:

«ای رسول الله، ما آنها را نمی‌پرستیدیم». رسول الله ﷺ در جواب فرمودند: «آیا

چنین نبود که [روحانیون شما] آنچه را که خدا حرام کرده بود، حلال می‌کردند و

شما نیز آن را حلال می‌کردید؛ و آنچه را که خدا آن را حلال کرده بود، حرام

می‌کردند و شما نیز آن را حرام می‌کردید؟» عدی بن حاتم در جواب گفت: «بلی ای

رسول خدا». آن حضرت ﷺ فرمودند: «این همان عبادت کردن آنهاست»^(۱).

دعای به درگاه غیر خدا اعمال نیک را محو و نابود می‌کند

ای خواهر و برادر مسلمان، چه فرقی است بین کسی که بگوید: عیسی فرزند خداست و بعضی از صفات الوهیت را دارد - چنان که نصاری چنین می‌گویند - و کسی که غیر از خدا را خواسته و معتقد است که به او یاری می‌دهد و خواسته را برآورده می‌کند؟

این عمل با توجه به اینکه شرک به خدای متعال و نابودکننده اعمال است، مسلمانان را نیز از هم پراکنده می‌کند، زیرا وقتی که عقیده آنان یکی نیست، نمی‌توانند با هم یکپارچه شوند، زیرا گروهی از ایشان، مخالف منهج و روش صحیح می‌باشند. جای تأسف است که بعضی از نصاری وقتی زندگی دوره جاهلیت را مطالعه می‌کنند، می‌گویند: اینها به بت پرستی پدرانشان بازگشته‌اند. آنان فراموش کرده‌اند یا خود را به فراموشی زده‌اند هنگامی که به خدا فرزند نسبت دادند، در حالی که خداوند عز و جل منزّه است که از کسی زاده گردد، یا کسی از او متولد شود:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱]

«هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است»

و باز می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۗ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۗ﴾ [۸۸] تَكَادُ السَّمَوَاتُ

يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۗ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۗ وَمَا

يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۗ [مریم: ۸۸ تا ۹۲]

«و گفتند [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است؛ واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید؛ چیزی نمانده است که آسمان‌ها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورد و کوه‌ها به شدت فرو ریزند؛ از اینکه برای [خدای] رحمان فرزندی قایل شدند؛ [خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند».

و هاج للظلم والطغیان طوفان لما ترکنا الهدی حلت بنا نقم
«وقتی هدایت را ترک کردیم، عذاب و عقوبت بر ما فرود آمد، و ظلم و طغیان شدت گرفت و فراگیر شد».

طلب از غیر خدا اعمال نیک و کردار حسنه را محو و نابود می‌کند و هیچ شک و تردیدی نیست که طلب از غیر خدا گمراهی محض است؛ خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ﴾ [الأحقاف: ۵]

«و کیست گمراه‌تر از آن کس که به جای خدا کسی را می‌خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی‌دهد و آنها از دعایشان بی‌خبرند».

بخوانید که وقتی فرشتگان هنگام مردن روح آنها را می‌گیرند، به آنها چه می‌گویند:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۳۷]

«پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ اینان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه مقرر شده، به ایشان خواهد رسید، تا آنگاه که فرشتگان ما به سراغشان بیایند که جانشان بستانند؛ می‌گویند: آنچه غیر از خدا می‌خواندید کجاست؟ می‌گویند: از [چشم] ما ناپدید شدند و علیه خود گواهی می‌دهند که آنان کافر بودند».

عمل و کردار انسان کافر محو و نابود است، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳]

«و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم»

زیرا با امر و فرمان خدا و رسول خدا ﷺ مخالفت کرده است.

شرک ورزیدن، غیر از مخالفت با امر خدا، ولی مخالفت با فرمان رسول‌الله ﷺ نیز محسوب می‌شود و خود گناه دیگری است، چرا که آن بزرگوار نیز فرمان داده که از غیر خدا چیزی خواسته نشود: «إِذَا سَأَلْت فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتْ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ»، «اگر خواهش و درخواستی داشتی، آن را از خدا بخواه؛ و اگر کمک و یاری خواستی، آن را از خدا بخواه».

قطعاً شرک مورد قبول نیست و سبب نابود شدن اعمال نیک و صالح، از نماز و روزه و حج می‌شود:

﴿وَأَقْدَأُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵]

«به تو و به یکایک پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک بورزی کردارت [باطل و بی‌پاداش می‌گردد و] هیچ و نابود می‌شود، و از زیانکاران خواهی بود»،
و می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ﴾ [المائدة: ۷۲]

«هر کس به خدا شرک آورد قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است».

پس ای مؤمنان، از شرک و هر وسیله‌ای که به آن منتهی می‌شود، دوری گزینید؛ کارهایی مانند: ساختن مساجد بر قبرها، یا قربانی برای قبرها و مردگان، و امثال آن، چون پدرمان ابراهیم علیه السلام از گرفتار شدن در دام شرک می‌ترسید؛ چنان که به خداوند عرض کرد:

﴿وَأَجُنَّبُنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا صَنَامًا﴾ [ابراهیم: ۳۵]

«خدایا، من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور فرما».

امام ابراهیم تمیمی گوید: «چه کسی بعد از ابراهیم علیه السلام از بلا و مصیبت در امان است».

خواننده عزیز، بر تو واجب است که مردم را از این نادانی و عادت‌های جاهلی و شرکی که با اهل جاهلیت فرقی ندارد، بر حذر داری، تا طلب کردن را خالص برای خدا قرار دهند، و به ندای باری تعالی لبیک گویند، هنگامی که فرمودند:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [المؤمن: ۶۰]

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»،

و می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا

لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶]

«و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند».

بعضی از نمودهای شرک

لازم است بدانیم که از جمله نمودهای شرک، نماز در مساجدی است که در آنها قبر است، زیرا نماز در آن مساجد باطل است؛ چنان که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اِتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» «خدا یهود و نصاری را لعنت کند که قبرهای پیامبران خود را به مساجد تبدیل کردند»^(۱).

در مورد قبر پیامبر ﷺ و قرار گرفتن آن در مسجد، هیچ حجت و برهانی نیست، چون در خانه‌اش دفن شده است و خانه‌اش مسجد نیست، زیرا وفاتش در خانه بوده و هر پیامبری در همانجا که وفات یافته دفن می‌شود؛ چنان که در حدیث صحیح وارد شده است؛ همچنین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز در حجره ام‌المؤمنین عائشه رضی الله عنها با پیامبر ﷺ دفن شده‌اند.

۱- بخاری و مسلم از حدیث عائشه رضی الله عنها.

برخی از شبهه‌هایی که اهل باطل ادعا می‌کنند

چرا از اولیا یاری نخواهیم در حالی که خداوند درباره آنها چنین می‌فرماید:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [یونس: ۶۲]

«بدان که دوستان خدا نه بیمی بر آنان است و نه آنان اندوهگین شوند.»

ما فقط به خاطر جاه و منزلت آنان نزد خدا آنها را می‌خوانیم، چون صالح و نیکوکارند و در نزد خدا مقام دارند، و ما به خاطر آنچه که خدا به آنان داده آنها را می‌خوانیم.

علمای موحد اهل سنت و جماعت، در صدد پاسخ به این شبهه بر آمده و

جواب داده‌اند که بقیه آیه را بخوانید تا بریتان واضح گردد:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۶۳]

«آنانکه ایمان آوردند و پروا می‌کردند.»

خداوند تعریف اولیا را چنین بیان کرده: به خدا مؤمن هستند و از کردار و

اعمالی که خدا از آن خشم و غضب می‌گیرد و کراهت دارد، پرهیز می‌کنند. از

جمله بزرگترین اعمالی که الله ﷻ به آن خشم می‌گیرد و کراهت دارد، شرک و

توسل به غیر از خداست؛ پس چگونه اولیا راضی می‌شوند تا دیگران به آنها

توسل جویند؟

خداوند در روز قیامت به اولیای خود می‌فرماید:

﴿أَهْتَوْلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيْنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ

كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾ [سبأ: ۴۰-۴۱]

«آیا اینان شما را می‌پرستیدند؟ گویند پاک و منزهی، تو کارساز مایی نه آنان، بلکه جن را می‌پرستیدند، بیشترشان به آنها باور داشتند».

رسول الله ﷺ با مشرکان عرب به جنگ پرداخت، در حالی که به توحید ربوبیت اعتراف داشتند، یعنی مشرکان باور داشتند که خدا خالق و رازق و مدبر تمامی امور در آسمان و زمین است. پیامبر ﷺ با آنها جنگ کرد در حالی که درباره اولیا می‌گفتند:

﴿هُؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ [یونس: ۱۸]

«این [بت‌ها] شفیع ما نزد خدایند».

با این حال، درخواست شفاعت آنها از مرده صالحین و غیره، به آنها نفعی نرساند.

از خداوند متعال خواستارم که من و شما و جمیع مسلمانان را به آنچه رضا و خشنودی اوست موفق دارد. و ما را بر سنت و روش پدرمان ابراهیم عليه السلام و سنت پیامبرمان محمد عليه السلام - النبی الامی الامین - ثابت قدم و استوار بگرداند، تا اینکه خدا را ملاقات کرده و هیچ فتنه و محرومیتی از رحمت خداوندی بر ما وارد نشده باشد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین